

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که صحبت ما، در مورد عناصر و مولفه های دخیل در بحث بود؛ یکی از این عناصر این بود که باید در کلام اخباری ها که به روایات تمسک می کنند- دقت شود که روایات در چه فضای صادر شده است.

نکته اول: برخی از روایات در پس پرده جریان خاصی ندارند و در این موارد نباید به واژه ها خیلی دقت شود اما برخی از روایات یک جریان فکری و عقیدتی خاص، در پس پرده دارد.

مثلاً: امام در روایتی می فرمایند: کسی که بگوید احکام تابع مصالح و مفاسد نیست؛ ضل ضللاً بعیدا و کفر بالله و... به نظر می رسد که نباید امام به این مقدار ملامت کند، چون تفاوت در این است که ما یا معتقد می شویم احکام تابع مصالح و مفاسد پیشین است و یا باید بگوییم مصلحت در نفس جعل است؛ اما اگر ما جریانات حاکم بر آن زمان را بدانیم ملامت شدید امام وجه پیدا می کند چرا که اشاعره می گفتند خداوند هیچ ضابطه ای در جعل نداشته است و... ما معتقدیم بحث خودمان هم از همین قبیل است یعنی روایات در یک فضای خاص صادر شده است.

نکته اول: شیوه پژوهش در مسائل یکسان نیست.

نکته دوم: باید به خود قرآن دقیق تر مراجعه کنیم و ببینیم قرآن خودش را چگونه معرفی می کند؛ در بین علمایی که ذکر کرده ایم فقط مرحوم صاحب حدائق به 4 آیه اشاره کرد؛ ما هم باید به قرآن رجوع کنیم.

نکته سوم: بررسی اقتضائات عقل و بنای عقلا لازم است باید ببینیم آیا اینجا جای استفاده از عقل و عقلا است یا نه؟ اصولی ها و اخباری ها به عقل و عقلا اشاره نکردند.

نکته چهارم: کلام استرآبادی این بود که قرآن علی وجه التعمیه نازل شده است و لذا نیاز به مفسر و مبین خاص دارد و صاحب حدائق هم می فرمود قرآن کتاب الله صامت است و افراد اگر سرغش برونند به ضلالت می افتند... این مساله درست باید تبیین شود.

نکته پنجم: آیا جریاناتی که بعد از نبی مکرم اتفاق افتاده آیا تاثیری در ما بحث دارد یا نه؟

نکته ششم: زمان پیغمبر مسلمان ها چه می کردند؟ مخصوصاً 10 سال مدینه مسلمانها آیات را می شنیدند چه می کردند؟ آیا منتظر بیان و توضیح رسول الله می ماندند یا نه خودشان عمل می کردند؟

راجع به قسمت اول (روایت با توجه به شان صدورش معنا شود) همه می دانید که از ابتدای کار (بعد از نبی اکرم) جریاناتی مخالف اهل بیت شروع شد و این جریانات فقهی، کلامی، سیاسی و تفسیری بود و نحله های تفسیری به وجود آمد؛ حتی برخی نحله ها از خوارج بودند؛ اینها قرآن را به راحتی تفسیر می کردند و به ائمه اصلا رجوع نمی کردند از این دسته افراد عبدالله بن مسعود است که با اینکه شخص محترمی است اما قرآن را از جانب خود تفسیر می کرد؛ قتاده با اینکه فقیه بود اما قرآن را هم تفسیر می کرد؛ در بصره، کوفه، مدینه و... به راحتی قرآن را تفسیر می کردند و حتی برخی اصرار داشتند دستگاهی در مقابل اهل بیت ایجاد کنند.

از نظر سیاسی، قضیه جدای امامت مطرح بوده است قضیه غصب خلافت مطرح بوده است و... اگر در چنین فضای امام به قتاده فرمود: انما يعرف القرآن من خوطب به... ما می مانیم با شان نزول این حدیث و شخصیت قتاده...

اخباری ها به این فقره از روایت استدلال کردند و مدعی شدند فقط اهل بیت می توانند قرآن را تفسیر کنند.

استاد علیدوست: اگر ما بودیم و همین فقره از روایت، حق با اخباری ها بود چرا که يعرف و معرفت فقط مخصوص اهل بیت

می شد حتی به نظر ما ترجمه قرآن هم فقط باید از کانال اهل بیت مطرح می شد اما اگر به کل روایت نگاه کنیم و به جریانات پیرامونی توجه کنیم متوجه می شویم که امام در مقابل قتاده این کلام را فرموده اند و این شامل حال فقیهی که تمام ادله را با دقت نگاه می کند و به ظهور قرآن تمسک می کند نمی شود.

حدیث ثقلین : در حجة الوداع بیان شد پیامبر در سفر آخر این حدیث را بیان فرمودند و مکرر نبی مکرم می فرمودند: به زودی ظلمت شامل شما می شود و جریانات بعد خود را پیش بینی می کرد... حال اگر در این فضا پیامبر بفرمایند شما به هر دو چنگ بزنید چطور می توانید برداشت کنید؛ که مراجعه به ظواهر قرآن بدون مراجعه به اهل بیت صحیح نیست.

الحمد لله رب العالمین